



مروری کوتاه بر تاریخچه ادبیات کودک و نوجوان در مکزیک

laura.guerrer@uia.mx

لائورا گررو کوآداراما

ریشه‌یابی این پدیده در فرهنگ مربوط به دوره قبل از استعمار اسپانیا و یا اشاره به گفتارها و سفارشات والدین به فرزندان خود، به عنوان اولین مواد مورد خطاب به کودکان در مکزیک، حالا دیگر به نقطه عطفی برای سایر کارهای مشابه تبدیل شده است.

تصویری، آغازگر کتاب مذکور است. در این تصویر، بچه‌ای در حالی که روی تنه درختی نشسته، به گونه‌ای تسلی‌ناپذیر گریه می‌کند. در ذیل عکس، دیالوگ زیر به چشم می‌خورد:

بلانکا لیدیترخو، نویسنده مکزیک‌ای در سال ۱۹۵۰، کتاب «ادبیات کودکان در مکزیک» (از زمان آرتک‌ها تا به امروز) را منتشر کرد؛ کتابی که خودش آن را «نخستین کوشش از این دست در مکزیک» می‌نامد و لذا خواستار چشم‌پوشی مخاطبان (از ضعف‌ها) می‌شود. وی آشکارا معلمان روستایی کشور را خطاب قرار می‌دهد. خواندن این اثر به گفته لیدی «معمولی»، برای پژوهشگران ادبیات کودکان مکزیک، اکنون امری اجباری شده است. در واقع، روش خاص او در

— کوچولو چرا گریه می‌کنی؟

— چون به قانونی احتیاج دارم که از من در برابر ادبیات بد کودکان محافظت کند. (ترخو ۴)

این تصویر، بیانگر جست‌وجویی است در پی مؤلف خوب و گریه‌ای که هم‌چنان ادامه دارد؛ هر چند هم اکنون بنگاه‌های انتشاراتی و مؤلفان بیش‌تری (برای کودکان) وجود دارند. با این‌که آن‌چه ادبیات خوب و بد کودک به شمار می‌رود، مبحثی پیچیده است، در واقع ما می‌خواهیم در آثار ترخو، میل به هنر و ادبیات خلاق را کشف کنیم. با این حال، او ادبیات کودکان را به شدت به تعلیم و تربیت، ارزش‌ها و اخلاق پیوند می‌دهد. به عقیده مؤلف، تمرین نویسندگی خوب برای کودکان، تعهدی است که از راه تربیت و آموزش کودکان حاصل می‌شود و از این طریق، ترخو جریان مسلط در زمان خود را دنبال می‌کند.

نمونه‌ای از نظرهایی که در آن سال‌ها (اواسط قرن بیستم) در مکزیک رواج پیدا کرده بود، کار آنتونیو روبلس، نویسنده اسپانیایی است که پس از جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۹-۱۹۳۶)، زندگی در تبعید در مکزیک را آغاز کرد. این مؤلف «نگرانی آموزشی نسبت به تلقین فرهنگی جدید را با نوسازی رسمی داستان‌هایش» (کولومر، مقدمه ۹۴) یکی می‌کند. این نویسنده پرکار داستان‌های کودکان که آن‌ها را عمدتاً در مجلات منتشر می‌کرد و در زمان خودش مروج این نهضت احیاگر در مکزیک بود، بخشی از سرمایه فکری این کشور محسوب می‌شود. او پایه‌های دل‌مشغولی هنری را تقویت کرد و از تغییر و تحولاتی خبر داد که قرار بود در سال‌های آتی روی دهد.

آغاز واقعی ادبیات کودک و نوجوان در مکزیک، با آغاز قرن بیستم همراه بوده است؛ هر چند قبل از

آن، می‌توانیم نویسندگان مشهور یا غیرمشهوری بیابیم که جدا از فولکلور و روایات شفاهی و نیز به رغم وجود برخی مجلات و کتب تخصصی، کتابی را به رشته تحریر درآوردند؛ مانند «زمینه‌های شکل‌گیری انواع ادبیات کودک» (کولومر، مقدمه ۹۳).

دوران کودکی به مثابه مرحله مهمی از زندگی و امکان نویسندگی و انتشار برای این‌گیرندگان (بچه‌ها) در مکزیک، در قرن بیستم تقویت شد.

● بچه‌ای در حالی که روی تنه

درختی نشسته، به گونه‌ای

تسلی‌ناپذیر گریه می‌کند. در

ذیل عکس، دیالوگ زیر به چشم

می‌خورد:

— کوچولو چرا گریه می‌کنی؟

— چون به قانونی احتیاج دارم

که از من در برابر ادبیات بد

کودکان محافظت کند.

آغازگر این تلاش، آمادو نروو بود که با انتشار گلچین خود، تحت عنوان داستان‌های مکزیک‌ی طبقه‌بندی شده برای کودکان (۱۹۶۰)، این کار را شروع کرد؛ کتابی که مجموعه نمونه‌هایی از جریان‌ات ادبی قرن نوزدهم است (دونت و مورای ۱۹). در واقع، نوعی ادبیات آموزشی برای کودکان که به آغاز نگرانی واقعی نسبت به کودکان اشاره دارد. ماریوری در این باره می‌گوید:

«برجسته‌ترین آن‌ها در دهه‌های نخست قرن، در

انتشارات وزارت آموزش و پرورش مکزیک، آثار و حضور

مؤثر حوزه واسکونسلوس در نشریات و ادبیات، به ویژه ادبیات کودکان، تداوم تولید انتشاراتی حوزه وانگاس آروویو، داستان‌های پاسکواله کورونار و در آثار بلانکالیدیا ترخو و ماریا اتریکه... به چشم می‌خورد.»

سوادآموزی در مکزیک، مانند دیگر نقاط دنیا، با پدیده ادبیات کودک در ارتباط است و رابطه محکمی با مدرسه و آموزش و پرورش دارد. مواد خواندنی کلاسیک برای کودکان (۱۹۲۴)، منتشره از سوی وزارت آموزش و پرورش مکزیک، دروازه ورود به دنیای کلاسیک و سنت ادبی بود. در متن

● آغاز واقعی ادبیات کودک و نوجوان در مکزیک، با آغاز قرن بیستم همراه بوده است؛ هر چند قبل از آن، می‌توانیم نویسندگان مشهور یا غیرمشهوری بیابیم که جدا از فولکلور و روایات شفاهی و نیز به رغم وجود برخی مجلات و کتب تخصصی، کتابی را به رشته تحریر درآوردند

«دلایل انتشار کتاب حاضر»، نوشته برناردوخ گاستلوم، معاون وزیر آموزش و پرورش، آمده است: «این مواد خواندنی، در عین حال که به مراتب از متون بد تاکنون به کار گرفته شده بهترند... همواره برای حفظ علاقه بچه‌ها و شکل دادن به ذوق ادبی و هنری‌شان مورد استفاده قرار خواهند گرفت.»

گاستلوم به یکی از «کارکردهای ادبیات کودکان» اشاره می‌کند؛ یعنی معرفی و یادگیری

اشکال ادبی. وی البته «سادگی متون» مخصوص کودکان را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ کتبی که فاقد عنصر «الهام» اند. در این راستا، این دو کتاب که همزمان با اصلاحات آموزشی پس از انقلاب مکزیک منتشر شدند، کمکی بنیادی به شمار می‌روند. واسکونسلوس در کتاب «به طرز مقدمه»، از «غرور و تکبر در قضاوت ما بزرگسالان نسبت به توانایی ذهنی کودکان» حرف می‌زند. «تنبلی خودمان باعث ایجاد این تصور در ما می‌شود که کودک آن‌چه را که ما به زحمت می‌توانیم بفهمیم، درک نمی‌کند.» در پایان این متن کوتاه مقدماتی، او به چیزی اشاره می‌کند که من آن را کلید «نمایشگاه» ادبی می‌دانم؛ تجربه‌ای که سبب می‌گردد ما پس از هر کتابخوانی، متفاوت شویم و همان شناخت دنیا و آدمیان که از غرق شدن ما در آثار ادبی سرچشمه می‌گیرد:

«به ما پیشنهاد شده که بر حجم کتاب، با گنجاندن اخبار تاریخی و شرح‌های جغرافیایی بیفزاییم. ما با این کار مخالفت کرده‌ایم؛ چون قصد نداشته‌ایم یک دایره‌المعارف درست کنیم. قصد ما ارائه چشم‌اندازی روشن از زمان و آموزشی عمیق به کودکان بوده که بی‌تردید از طریق مهم‌ترین رویداد، بهترین مثال‌ها و زیباترین داستان‌هایی انجام می‌گیرد که انسان‌ها به وجود آورده‌اند.»

گروهی منتخب، کار حمایت از تدوین این گلچین‌های وزارت آموزش و پرورش را بر عهده گرفت. آن‌ها شامل عده‌ای از نویسندگان مکزیکی معاصر بودند؛ گروهی نامتجانس که مشخصه آنان جهان‌وطنی و دل‌مشغولی زیباشناختی آوانگارد (پیشتاز) بود؛ سالوادور نووو، خوزه گوروستیسا، خایمه تورس بودت، خاویر ویانوروتیا، برناردو اورتیس ده مونتیه یانو، گابریلا میسترال، شاعره شیلیایی و ریکاردو پالما، شاعر پرویی نیز در این

ادبیات آنتونیو روبلس، می‌گوید: «ای کاش سخنان او به تبعید این ادبیات بی‌ملاحظه و حتی جنایتکار که با آن خوانندگان کوچک مسموم می‌شوند، کمک کند» (مقدمه ۴). بدین ترتیب، در اواسط قرن بیستم، در مکزیک جریانی وجود دارد که در پی تعلیم کودکان و تفریح و سرگرمی آن‌ها از طریق متون واقع‌گراست، اما با عناصری عجیب و غریب یا شوخ‌طبعانه. نویسندگان «کلام اسباب‌بازی ۲»، این مطلب را چنین بیان می‌کنند:

«طی حدود ۳۰ سال، آنتونیو روبلس مهم‌ترین و با

تلاش شرکت داشتند. این دو کتاب با پیروان سبک کلاسیک شرقی در کشورهایی مانند اسپانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، انگلیس و قاره آمریکا سازگاری دارند؛ متونی که به جمع روایت (قرائت)‌های جدید یا سنتی، از معروف‌ترین قصه‌های پریان و یادداشت‌های بیوگرافیک و تاریخی می‌پیوندند. روی هم رفته، این گلچین‌ها منبعی غنی از ادبیات «آموزشی» و آثاری پایه به حساب می‌آیند که مخاطبانش، دانش‌آموزان دوره ابتدایی‌اند.

آنتونیو روبلس در مکزیک، پرچمدار «مرگ پریان» (اشاره به قصه‌های پریان یا قصه‌های فولکلوریک) است؛ جریانی که در اروپا متولد شد و تا سال‌های دهه شصت میلادی ادامه یافت. او در صدد نزدیک کردن بچه‌ها به واقعیت محیطی و ملموس است؛ هدفی که از یک طرف با ما از خستگی ناشی از استفاده بیهوده از قصه‌های شگفت‌انگیز و نیز ظهور وجدانی منتقد که پس از دو جنگ جهانی می‌خواهد خوانندگان خود را برای صلح آموزش دهد، سخن می‌گوید و از این طریق، ما از نویسندگان زن و مردی سخن می‌گوییم که در جست‌وجوی موضوعات و شیوه‌های مناسب اهداف آموزشی هستند. آلفونسو ریس در این مورد می‌گوید: «شکل‌گیری شعر با ماده پراحساس کودکانه، انسان متعادل را مجسم می‌کند». (مقدمه ۴)

جریانی که شامل مراقبت و گاهی - به قول ریس - غنی از jitanjáforas و بازی‌های زبانی است که لحنی شوخ‌طبعانه به داستان‌ها می‌دهد و نیز توجه به نوشتار که سبب رهایی از کسل‌کنندگی و غفلت ادبی می‌شود که چیزی جز عدم مهارت حرفه‌ای نیست. آلفونسو ریس ضمن اشاره به

● سوادآموزی در مکزیک، مانند دیگر نقاط دنیا، با پدیده ادبیات کودک در ارتباط است و رابطه محکمی با مدرسه و آموزش و پرورش دارد. مواد خواندنی کلاسیک برای کودکان (۱۹۲۴)، منتشره از سوی وزارت آموزش و پرورش مکزیک، دروازه ورود به دنیای کلاسیک و سنت ادبی بود

نفوذترین فرد در زمینه ادبیات کودک در مکزیک بود. وی که از سوی وزارت آموزش و پرورش، به عنوان قصدگو به مدارس اعزام می‌شد، از گوشه‌ای به گوشه دیگر کشور (مکزیک) مسافرت می‌کرد. قصه‌ها و داستان‌های او جوایز متعددی را در اوایل دهه چهل میلادی گرفت و تنها نویسنده کودکان بود که کتبخش توسط وزارت آموزش و پرورش، بین سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۹ منتشر گردید.»

این جریان که می‌توانیم آن را

«آنتونیوروبلیستا» بنامیم، بر تصویری روماننیک از دوران کودکی، ایده مهربانی (پاکی و صفای باطنی کودکان) و نیز نیاز به پنهان ساختن خشونت و بحران‌های بشری در داستان‌ها، تأکید داشت؛ پوشاندن نقاط منفی زندگی، به عنوان روشی حفاظتی برای کودک گیرنده. این نویسنده چنین می‌گوید:

«می‌گویند که مأموریت نویسنده، آفرینش یک زندگی تازه و حساسیت‌برانگیز است. بله، اما اگر تمام آن موادخواندنی را هرس نکنیم که سبب می‌شود دوران کودکی،

● ایده روماننیک ادبیات

کودکان، در مکزیک پابرجاست؛

هر چند کم‌تر از قبل و همین

نویسندگان مرد و زن، در مورد

این «سادگی» که بسیاری آن را

با آسان‌گیری فرمیک اشتباه

می‌گیرند، خود را زیر سؤال

می‌برند

اسپانیا (که این نویسنده آن را با گوشت و پوست خود تجربه کرد) و در مکزیک، پس از انقلاب و جنگ کریستر (مخالفت با اجرای اصول مذهبی در قانون اساسی) هستند. آنتونیو روبلس در نبرد شاعرانه‌اش برای «نوشتن درست و بی‌نقص» می‌گوید:

«اثر را کمی کوتاه و ساده کردن، به این می‌ماند که بگوییم دولا یا خم شویم تا خودمان را به اندازه بچه‌ها درآوریم و با داستان‌های مان، مستقیماً آن‌ها را خوشحال یا نگران کنیم. اما سازگار کردن خود با کودکان، بدون فدا کردن خود، در واقع نادیده گرفتن ۱۰ تا ۱۵ سال فاصله سنی است.» (آنتونیو روبلس، آیا اندرسن فکر می‌کرد؟)

این دیدگاه هنوز در بین بسیاری از نویسندگان مرد و زن فعلی رایج است. با وجود آگاهی روزافزون از این امر که «خلاقیت نهفته» در هر اثر ادبی، هرگونه اعتمادی را نسبت به «نیت نویسنده»، به عنوان هدف و منظور آفرینش ادبی، نابود می‌سازد، با این حال، هنوز در اطراف مان می‌شنویم که «فلان اثر، اثری برای کودکان نیست؛ زبان آن بسیار فخیم است، بچه‌ها آن را نمی‌فهمند و موضوعات برای سن و سال آن‌ها بسیار پیچیده است.»

مؤلفان جدید مرد و زن، ادعان دارند که تنوع فراوانی در موضوعات و نحوه پردازش ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد. هم‌چنین، نسبت به آموزش خوانندگان با صلاحیت، تردیدی واقعی وجود دارد. البته عده‌ای فراموش می‌کنند که این امر، به یک معنا، منتقد و آزاد(اندیش) بار آوردن آن‌هاست. ما درگیر پست‌مدرنیسم هستیم؛ با تمام آن‌چه از جهانی‌سازی و ملحق‌سازی به همراه دارد، ما نمی‌توانیم کودکان را از معاصرانشان دور کنیم. زبان سرشار از توصیف و تصویر، اکنون به

با توشه‌ای این همه سرد که ناشی از آشنایی کودکان با خشونت و نفرت است، از پل منتهی به بلوغ بگذرد، چنین مأموریتی ممکن نخواهد بود. خلاصه این‌که تعلیم و تربیت، به مجسمه‌سازی شباهت دارد که فقط وقتی کارش را به انجام می‌رساند که موضوع خود را کشته باشد. با وجود این، انتخاب این‌که موضوع کارش اصیل یا فرومایه باشد، فقط یک‌بار صورت می‌گیرد: زمانی که گل، تازه باشد.» (آنتونیو روبلس، آیا اندرسن فکر می‌کرد؟)

همان‌طور که گفتیم، این‌ها ایده‌های دوران پس از عواقب جنگ جهانی دوم، جنگ داخلی

کاربا بیدو، خورخه ایبارگونن گوئییا، ویسنته لنیه‌رو، سیلویا مولینا، ارنان لارا ساوالا، فلیپه گاریدو، گی‌یرمو سامپریو، آلینه پترسون، اتل کراوسه، خوان ویورو، اومرو آریدخیس، ایگناسیو پادیا، آلبر توچیمال و غیره.

در سال ۱۹۸۳، گروه "Cuica" (مخفف «فرهنگ کودکان به عنوان جایگزین») به وجود آمد که هدفش نظم دادن به کارهای افراد درگیر در هنر کودکان و نیز تقویت سنت و هویت مکزیک بود. دل‌مشغولی آنان ترویج ارزش‌های انسانی و

قدری پیچیده و پیشرفته است که «کوتاه کردن» یا «ساده کردن» ادبی، بی‌ارزش کردن مهارت‌های کسب شده توسط گیرندگان از طریق صدها پیام پیچیده‌ای است که از رسانه‌ها دریافت کرده‌اند. «و نباید توانایی آن‌ها را برای واکنش خلاقه‌ای که به واقعیات نشان می‌دهند، دست‌کم گرفت» (روداری ۲۰). تأکید می‌کنیم که ایده رومانیتیک ادبیات کودکان، در مکزیک پابرجاست؛ هر چند کم‌تر از قبل و همین نویسندگان مرد و زن، در مورد این «سادگی» که بسیاری آن را با آسان‌گیری فرمیک اشتباه می‌گیرند، خود را زیر سؤال می‌برند. آن‌چه باید تصریح کنیم، از دغدغه‌های آنتونیو روبلس بسیار دور است. کمک بزرگ این نویسنده، خاطر نشان کردن این نکته بود که ادبیات کودکان باید ادبیات باشد و نویسندگان زن و مرد باید حواس‌شان به سبک باشد. با صحبت کردن از «سادگی»، درمی‌یابیم که منظور وی، داستان‌های بدون پیچیدگی ساختاری و با قرائت آسان و نه بی‌روح است که بعضی‌ها به آن رسیده‌اند.

در سال‌های دهه ۸۰ میلادی، در مکزیک یک سری تحولات مهم مرتبط با اشاعه و ترویج ادبیات کودک و نوجوان آغاز می‌شود. به نظر بسیاری افراد، لحظه کلیدی، شکل‌گیری نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان در سال ۱۹۸۱ است:

«تحت رهبری کارمن استواد گارسیا، پیلاز گومز و بخش ملی IBBY و با همکاری وزارت امور خارجه مکزیک، یک نقطه عطف واقعی در تاریخ ادبیات کودکان مکزیک شکل گرفت.» (ری ۲۹۵)

از این پس، نویسندگان زن و مرد «بزرگسال نویسی» و مشهور، ادبیات نویسی برای کودکان را آغاز کردند؛ از جمله سائینا برمان، امیلیو

● در سال‌های دهه ۸۰ میلادی، در مکزیک یک سری تحولات مهم مرتبط با اشاعه و ترویج ادبیات کودک و نوجوان آغاز می‌شود. به نظر بسیاری افراد، لحظه کلیدی، شکل‌گیری نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان در سال ۱۹۸۱ است

اهدافی است که رویکرد آموزشی دارند و درصدد ترویج کتابخوانی با توجه به تأثیر عظیم رسانه‌های صوتی - تصویری‌اند. تعدادی از نویسندگان زن تشکیل دهنده این گروه، عبارتند از: یکی روبین اشتاین، میریا کوئتو، ایزابیل سوارز دل‌اپریدا، مارتا ساستریاس، تره رمولینا، النا درسر، ایانا آلبالا و سوزانا مندوسا. برخی از این نویسندگان، در مؤسسه نشر «آماکمان»، تحت هماهنگی نشریاتی لیلیانا سانتیرسو که در حال حاضر «سه.ا.ال.ته.آ. آماکمان» نام دارد، به

انتشار کتب خود پرداختند.

یکی از لحظات مهم در توسعه ادبیات کودک و نوجوان در مکزیک، در پی چاپ مجموعه‌ای موسوم به «در کناره باد» در سال ۱۹۹۱، توسط مؤسسه نشریاتی «صندوق فرهنگ اقتصادی» که از سال ۱۹۳۴ تاکنون نقش بنیادی در زندگی فرهنگی مکزیک ایفا کرده است، رخ داد. مسئول هماهنگی این مجموعه، دانیل گولدین و هدایت هنری آن برعهده ریکا سردا بوده است. به این مطلب، در بخش معرفی «کاتالوگ ۲۰۰۲-۲۰۰۱»

● و اسکونسولوس در کتاب «به

طرز مقدمه»، از «غرور و تکبر

در قضاوت ما بزرگسالان

نسبت به توانایی ذهنی

کودکان» حرف می‌زند. «تنبلی

خودمان باعث ایجاد این تصور

در ما می‌شود که کودک آن‌چه را

که ما به زحمت می‌توانیم

بفهمیم، درک نمی‌کند»

چنین اشاره شده است:

«ژانر (نوع) در نظر گرفته شده، درست همان ژانر دلخواه بود. ما می‌خواهیم ثابت کنیم که ادبیات قادر به همراهی و قدرت بخشیدن به همه هیجانات و احساسات است و می‌تواند برای شناختن، بازشناختن، خندیدن، منقلب شدن، اندیشیدن و بازی کردن مورد استفاده قرار گیرد؛ امری که امکان می‌دهد به ناشناخته‌ها و از این طریق به کنه مسائل نزدیک شویم.» (۳)

از طرفی، ترجمه آثار نویسندگان بزرگ

زبان‌های دیگر، به سرمایه فکری ما غنا بخشید و توانستیم از طریق این کتابخوانی، به عصر معاصر وارد شویم. همان‌طور که خورخه لونیس بسورخس بیان داشت:

«فکر می‌کنم سنت ما، همه فرهنگ غرب است و تصور می‌کنم ما نسبت به این سنت حق داریم... ما می‌توانیم تمام موضوعات اروپایی را بدون خرافات هدایت کنیم؛ البته با نوعی بی‌حرمتی که می‌تواند عواقب خوبی داشته باشد که هم‌اینک دارد.» (نویسنده آرژانتینی، ۷۳-۲۷۲)

به این ترتیب، نویسندگان زن و مرد جدیدی ظهور می‌کنند که فضای مناسبی برای انتشار آثار خود می‌یابند؛ مانند مونیکا بروسون، فرانسیسکو اینوخوسا، آنتونیو گرانادوس، ویویان مانسور، خوان خدوویوس (انتشارات آلبوم)، النا درسر، فرانسیسکو سگویا و آلبرتو بلانکو.

رویداد مهم دیگری که به غنای گنجینه ادبیات کودک در مکزیک کمک کرد، رویدادی است که توسط انتشارات کاستیو، از سال ۲۰۰۰، با راه‌اندازی مسابقه جایزه ملی ادبیات کودک و نوجوان (Castillo de Lectura) ترویج شد؛ مسابقه‌ای که درصدد «تشویق خلاقیت در میان نویسندگان مکزیکی» است (کاستیو ۱). در این مسابقه، به آثار ویژه هر ژانر، جوایزی تعلق می‌گیرد. در سال اول ۱۲ کتاب جایزه گرفتند. این مؤسسه انتشاراتی در مونته‌رری نوئوو لئون، تأسیس گردید و مجموعه کودک آن، به آثار پدیدآورندگان زن و مرد مکزیک اختصاص دارد. در میان برندگان مسابقات گوناگون می‌توانیم به نویسندگانی مانند نورما مونیوز لدو، آلفونسو سوارز رومرو، ویویان مانسور، گوادالوپه آلمان، خیلبرتو رندون، خایمه آلفونسو ساندهوال و روبرتو پردو اشاره کنیم.

مؤسسات انتشاراتی، گنجینه خود را با انتخاب

آثار شاخص کودک، غنی کرده‌اند. نمایشگاه‌های کتاب همه این مؤسسات، دارای بخش‌های ویژه کودکان است و تعدادی از این بخش‌ها منحصراً به این نوع کتب اختصاص دارند؛ مانند نمایشگاه ملی کتاب کودک و نوجوان خالایا در وراکروز. جوایز قصه کودکان، بیش از پیش افزایش یافته است. از جمله می‌توان به جوایز هدایی از سوی انستیتو ملی هنرهای زیبا اشاره کرد: جایزه ادبیات کودکان (Juan de la Cabada) و جایزه «تأثر کودکان»، جایزه نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان، جایزه صندوق فرهنگ اقتصادی، انتشارات «در کناره باد»، انتشارات SM و شورای ملی فرهنگ و هنر (Barco de Vapor و Gran Angular).

مؤسسات دولتی فرهنگی نیز به ترویج مسابقه و انتشار کتاب اقدام می‌کنند؛ مانند جایزه برای فرهنگ و هنر و جایزه دولتی ادبیات کودکان. این امر در مورد شهرهای سن لوئیس پوتوسی، مکسیکالی، توآوکاف خالایا یا وراکروز نیز صدق می‌کند.

از سال ۲۰۰۴، ما صاحب کتاب «کاتالوگ نویسندگان مکزیکی: ادبیات کودک و نوجوان» شده‌ایم که تحت مدیریت سیلویا مولینا، مدیر مرکز ملی اطلاعات و ترویج ادبیات inba, CNIPL منتشر گردید. در این کتاب، اسامی نویسندگان زن و مردی مانند سیلویا دویوی، بئاتریس دونت، جودی گلدمن، لیسیا ازه‌را، برتا هیریارت، امیلیو آنخل لومه، خورخه اوخان، گینرمو مواری، کارلوس پنیسر و غیره دیده می‌شود. کاری پیشنهادی است که اسامی نویسندگان را با یک زندگی‌نامه کوتاه که در برگزیده آثارشان نیز هست و اطلاعاتی دیگر، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

زمانی که اولین آریسپه، کتابش تحت عنوان

«قصه‌های مکزیکی بزرگان برای بچه‌ها: تجزیه و تحلیلی درباره زبان و محتوایش» (۱۹۹۱) را منتشر کرد، یکی از مهم‌ترین بررسی‌ها کندوکاو در کیفیت ادبی داستان‌های نوشته شده برای کودکان در مکزیک بود؛ پرسش و تردیدی که آشکارا به ما نشان می‌دهد که وضعیت از دیدگاه او چگونه بوده است. مقدمه کتاب نشان می‌دهد که این یک پژوهش و بررسی، شامل ۲۰ متن نگاشته شده از سال ۱۹۸۰ به بعد است. در پایان کار، نویسنده می‌گوید نیت آموزشی - اخلاقی در قصه‌های مکزیکی،

● معتقدیم مکتبی جدید در حال ظهور است که با استفاده از امکاناتی چون طنز، کودکان را به خواندن ادبیات، هم‌چون ارزشی کلیدی جلب می‌کند. حاصل این نوع خواندن، خواننده‌ای منتقد و خلاق است

هم‌چنان پایدار است و یک چهارم داستان‌های این مجموعه، چنین خصوصیتی دارند. هم‌چنین، او پی می‌برد که اغلب نویسندگان از راوی دانای کل، روایت خطی، پایان خوش و الگوهای سنتی استفاده کرده‌اند. از طرفی، تلاش نویسندگان برای این‌که آثارشان تقلیدی از آثار خارجی به نظر نرسد، آن‌ها را به سوی موضوعات «مکزیکی» سوق می‌دهد. او زبان بچگانه یا زبان ساده را حس نمی‌کند؛ هر چند فقر را در زبان مجازی حس می‌کند: «به نظر می‌رسد بیش‌تر نویسندگان با آگاهی فراوان در مورد لزوم مراقبت از زبان،

امکانات غنی‌سازی زبان را نادیده انگاشته‌اند.» (آریسپه ۱۵۲)

همان‌طور که پیش‌تر در این مقاله بیان شد، پژوهش فوق، بقای این دیدگاه رومان‌تیک در مورد ادبیات کودکان را به ما می‌نمایاند. نظریاتی مانند قصه ایده‌آل برای کودکان ایده‌آل، هنوز وجود دارد و داستان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منظورم همان جریانی است که «آنتونیو رویستا» نامیدم و استیلای زیادی در دهه پنجاه میلادی پیدا کرد. با وجود این، از زمان انتشار پژوهش اولین آریسپه، اتفاق خاصی افتاده است. اگر یکی از پرسش‌های اساسی درباره ادبی بودن متون بود؛ اکنون زمان

● طی حدود ۳۰ سال، آنتونیو روبلس مهم‌ترین و با نفوذترین فرد در زمینه ادبیات کودک در مکزیک بود. وی که از سوی وزارت آموزش و پرورش، به عنوان قصه‌گو به مدارس اعزام می‌شد، از گوشه‌ای به گوشه دیگر کشور (مکزیک) مسافرت می‌کرد. قصه‌ها و داستان‌های او جوایز متعددی را در اوایل دهه چهل میلادی گرفت و تنها نویسنده کودکان بود که کتبش توسط وزارت آموزش و پرورش، بین سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۹ منتشر گردید

پژوهش در خصوص سبک‌های جدید و شالوده‌شکنانه پست‌مدرنیستی در ادبیات کودکان است که در مکزیک آفریده می‌شود. آری، تغییری به وجود آمده؛ نوعی بازنویسی و تغییر در جایگاه نویسندگان زن و مرد و جریانی نوظهور که آن‌ها را به تجربه‌گری سوق می‌دهد؛ شبیه همان چیزی که بورخس می‌گوید: «به این دلیل، تکرار می‌کنم نباید بیم داشته باشیم و باید فکر کنیم که میراث ما، جهان (عالم) است...»

فرانسیسکو اینوخوسا که کتاب‌هایش در زمره داستان‌های جدید کودکان و از پرخواننده‌ترین کتاب‌هاست، از خود می‌پرسد:

«روح کلاسیک در زمره کدام یک از علائق بچه‌ها امروزی می‌گنجد؟ آیا هومر، ویرژیل (Virgil) و حتی ایزوپ (Aesop) افسانه‌نویس، می‌توانند با نویسندگان بزرگ امروزی رقابت کنند؟ در کنار نویسندگانی چون جانی روداری، میشل آنده، کریستین نوستلینگر، اریش کستنر یا آنا ماریا ماچادو، خواندن آثار کلاسیک در چه جایگاهی قرار دارد؟ بنا بر نظر سنجی‌های نه‌چندان تازه، رولد دال آثار به اصطلاح کلاسیک کودکان را به جایگاه دوم - حداقل در انگلیس - فرستاده است: آندرسن، برادران گریم، سلما لاگرلوف، لویس کارول، اسکار وایلد.

«استراتژی‌های شالوده‌شکنی در قصه‌نویسی برای کودکان معاصر» (۳)

سبک‌های جدید و شالوده‌شکنانه در قصه‌نویسی کودکان

ویژگی شالوده‌شکنانه در پست‌مدرنیسم، دوباره معنا شده است؛ همان‌طور که قصه‌های پریان، شالوده‌شکنی روی خودش هم تأثیر می‌گذارد. می‌توانیم از یک شالوده‌شکنی جدید صحبت به میان آوریم که مدام به پرسش می‌گیرد

و بازگشت شخصیت‌های یاغی به وضعیت عادی را نمی‌پذیرد، با ارزش‌های غیرمتعارف و نوعی جهان‌بینی سر و کار دارد که فرضیات مشترک را به سخره می‌گیرد. یکی از نظریاتی که به پرسش کشیده می‌شود، نظریه مرز میان ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات بزرگسالان است: ایجاز برای بچه‌ها، استفاده از زبان قابل خواندن (خوانا)، موضوعات قابل فهم، فرم‌های ساده و غیره.

دنیای آرمانی، پیوسته در حال مورد پرسش قرار گرفتن و دگرگونی است. اثری که هم‌چون پیش‌درآمد پست‌مدرنیسم در ادبیات کودک و نوجوان شناخته می‌شود، «آلیس در سرزمین عجایب» (۱۸۶۵)، اثر لوئیس کارول است، اما برخلاف آلیس کوچولو، در شالوده‌شکنی جدید، زندگی به «حال عادی» باز نمی‌گردد.

از ویژگی‌های پست‌مدرنیستی ادبیات کودکان، سبک‌های جدید شالوده‌شکنانه داستانی به دست می‌آید. این طبقه‌بندی، کوششی است برای توصیف برخی جریان‌های ادبی معاصر و قصد جامع و مانع بودن ندارد. هم‌چنین، باید گفت که سبک‌های شالوده‌شکنانه نو، ممکن است با یکدیگر درآمیخته یا با هم اشتباه گرفته شوند.

الف) نو و الیسم: پاسخی است به جهان فعلی ما که در آن جنگ، گرسنگی و خشونت «بخشی از منظره» محسوب می‌شود. موضوعات جدیدی ظهور می‌کنند؛ موضوعاتی که معمولاً از دید آثار ادبی کودکان، پنهان مانده بودند: بیماری، مرگ و تنهایی. کارلوس پیئسر در کتاب «داستان مادر بزرگ» (۱۹۹۹)، مشکل بیماری مادر بزرگ، وخامت حالش و ناراحتی و عذابش را برای مان مطرح می‌کند:

«زمان، روزهایش را به بچه‌ها هدیه می‌دهد، اما همین

زمان، روزهای اندک باقی‌مانده برای افراد پیر را می‌ستاند.» (پیئسر ۱۹)

ب) رابطه حقیقت و خیال: مرزهای میان واقعیت و خیال به یکدیگر متصل و یا با هم اشتباه گرفته می‌شوند. فرانسیسکو اینوخوسا، در کتاب «فرمول دکتر فونس» (۱۹۹۲)، فاست (Faust) جدید را به ما معرفی می‌کند؛ یک پزشک جادوگر متمدن که با یک فرمول شیمیایی موفق می‌شود به دوران کودکی بازگردد و هم‌چنین مانند هر بچه دیگری، یک بچه معمولی به نظر می‌رسد که در روزمرگی تلویزیون و در اتاق آپارتمانی از طبقه متوسط غرق شده، بی‌آن‌که بخواهد وارد دنیای اوهام و خیال شود. همین امر در مورد شخصیت‌های کتاب «جست‌وجوگر عقرب» (۲۰۰۰) اثر همین نویسنده، صدق می‌کند؛ دختر بچه‌ها و پسر بچه‌هایی که به شکار عقرب می‌پردازند. دکترای عجیب و غریب به نام ویتار اوستننگروف، برای این کار پول می‌پردازد تا دارویی بیابد و از کوچک شدن اشخاص تا حد ناپدید شدن در هوا جلوگیری کند.

اثر نورما مونویز لدو نیز در چارچوب همین سبک قرار می‌گیرد. «اهل مولداویف»، رمانی کوتاه و سرشار از موقعیت‌های طنزآلود است که علم را با خیال در هم می‌آمیزد تا احترام به دیگری و درک میان موجودات متفکر را رواج دهد؛ هر چند یکی از آن‌ها از سیاره دیگری باشد.

ج) ادبیات ضد خودکامگی: ترزا کولومر می‌گوید این نوع ادبیات، در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی ظهور کرد. این جریان در صدد است تا از نظر موضوع و استدلال، با نظریات سنتی قدرت، فرمانبرداری و تسلیم قطع رابطه کند. حتی برتری‌های خود نویسنده و شعرسرای سنتی را نیز زیر سؤال می‌برد. در کتاب «جهان سپتامبر از

درتن» (و چند راه برای احتراز از آن) (۲۰۰۱)، گوادالوپه آلمان، دانش آموز دختری به نام آندره‌آ را به ما معرفی می‌کند که با نظام آموزشی سنتی حاکم به مخالفت برمی‌خیزد. هم‌چنین، آن را از نظر ساختار، سابقه و تأثیرش بر جوانان زیر به سؤال می‌کشد و تقریباً رد می‌کند. نمونه‌ای از گفتار ضدخودکامگی، نامه‌ای است که برای مدیر مدرسه می‌نویسد:

«هدف من از نوشتن این نامه، آن است که از شما تقاضا کنم که لطفاً مرا در مدرسه‌تان قبول نکنید؛ چون این تنها راهی است که خواهیم توانست کماکان به مدرسه قدیمی‌ام بروم و با دوستانم ملاقات کنم. اگر مرا قبول کنید، قول می‌دهم که به الگویی از بی‌انضباطی، بی‌تربیتی و شرارت تبدیل شوم. بدترین کابوس معلمان و همکلاسی‌هایم خواهم بود. بدانید که اخطار کردم! با آرزوی این‌که دیگر هیچ‌وقت شما را نبینم، خداحافظی می‌کنم. آندره‌آ خیرون.» (آلمان ۱۳)

نویسنده پیوندش را با داستان نویسی خطی سنتی قطع می‌کند. متن ظاهراً به ما می‌گوید تاریخ (داستان) بار دیگر تکرار می‌شود؛ زیرا همیشه دختر جوانی یافت می‌شود که طغیان کند. (د) باز یافت خاطره (حافظه): تاریخ شفاهی، سنت‌ها و افسانه‌ها و تاریخ به مثابه یک امر انسانی، خود را عقلانی می‌کند، «حقیقت» خود را زیر سؤال می‌برد، از لحن رسمی دست می‌کشد و نگاهش را متوجه تاریخ‌های حداقلی، شخصی و گروهی می‌سازد. این نوعی تاریخ شالوده‌شکنانه است و به صداها در حاشیه قرار گرفته گوش می‌سپارد. در کتاب «آکویانی: کودک و شاعر» (۲۰۰۱)، روبرتو پردو، رمانی تاریخی را براساس اطلاعات خبرچین‌های سرخ‌پوست و دست‌نوشته‌ها به ما معرفی می‌کند. رمان در مورد زندگی بچه‌ای

به نام آکویانا، دانش‌آموز کالماک است که پس از دوازده ساله شدن، تصمیم می‌گیرد با شاعر بزرگ، نزاوال کویوتل (Nezahualcōyotl) آشنا شود و چند لحظه او را ببیند؛ هر چند برای انجام این کار، ناچار است قوانین را نادیده بگیرد و این کار در جامعه او عمل بسیار بدی تلقی می‌شود. این کتاب که دارای ساختار چرخشی (دایره‌ای) است، ما را در دنیایی بسیار متفاوت با دنیای عادی غرق می‌کند، اما با شخصیت پسری که همان دل‌مشغولی‌ها و رؤیاهای بچه‌های امروز را دارد. داستان از دیدگاه این بچه که نامش آکویانی است، روایت شده؛ امری که دیدگاهی خودمانی و انسانی به داستان می‌بخشد.

«یولوپیتلی خیلی خوب می‌دانست که دوستش، صورت آقای مان (Nezahualcōyotl) - با یک هاله طلایی - را در ابرها، در آب و در حواصیل‌هایی که از مقابل آن‌ها عبور می‌کردند، می‌دید که با لبخندی دوستانه می‌گفت: قلب تو، کتاب نقاشی است، آمده‌ای که آواز بخوانی، طبل‌هایت را به صدا در می‌آوری، شاعر تویی.» (پردو ۱۶۲)

ه) طنز: این نوعی سبک شالوده‌شکنانه بسیار مهم است که به درک امور فکاهی مربوط می‌شود و خواننده را به خنده وامی‌دارد؛ چون خود را برتر یا همدست احساس می‌کند. این نوع طنز، حاصل به مسخره گرفتن جدیت، اقتدار و تشریفات است. از طریق طنز، انسان آزاد می‌شود و می‌تواند امور مسلم جامعه خود را زیر سؤال ببرد. از این رو، بسیار خطرناک است. به لطف خنده، جزییات به سطح انسانی بازمی‌گردند و قابل کنترل می‌شوند. در کتاب «چای پروفیسور زیپر»، خوان و ویسور از امکاناتی مانند اغراق، تمسخر و شماره‌گذاری‌های (اعداد) مضحک برای ترویج طنز و شوخی استفاده می‌کند. فن‌ان‌پذیری و جاه‌طلبی بشری، به نوعی

می‌کند. حاصل این نوع خواندن، خواننده‌ای منتقد و خلاق است.

پی‌نوشت

1. Véase *Historia y muestra de la literatura infantil mexicana* de Mario Rey O Palabra de juguete de Beatriz Donnet y Guillermo Murray Prisant.
2. Antonio Robles (1895-1983) Pertenece a la generación de exiliados republicanos que dio un gran impulso al desarrollo cultural en México.
3. Algunos de sus libros son **8 cuentos de niñas y muñecas, Hermanos monigotes, Rompetacones y 100 cuentos más.**
4. Antonio Vancgas Arroyo (1850-1917) fue un editor de finales del siglo XIX. Publicó obras de teatro infantil, leyendas y relatos, así como textos históricos.
5. Teresa Castelló Yturbide (1917) es una gran recopiladora y narradora de relatos tradicionales. Con su pseudónimo Pascuala Corona ha retomado la imagen de la nana mexicana.
6. María Enriqueta Camarillo y Roa de Pereyra (1872-1968) es autora del volumen **Rosas de la infancia, lecturas escolares.** "fue declarado libro de texto en todas las escuelas de la República Mexicana" (Donnet y Murray 21).

ملال ابدی که فقط مناسب آدم‌های ذاتاً کسل و بی‌حوصله است، تبدیل می‌شود.

«به عمه ترینی و دایی به‌په پیشنهاد می‌کنم! آن‌ها دوست ندارند کار کنند و روز را با تماشای تلویزیون می‌گذرانند و از همه چیز گله دارند. آن‌ها می‌خواهند هیچ چیز تغییر نکند و امور تکرار شود. این‌جا خوشبخت خواهند بود.» (ویورا ۱۲۵)

سبک‌های شالوده‌شکنانه و پست‌مدرنیستی داستان‌نویسی کودکان مکزیک‌ی نیز به نوبه خود از ویژگی‌های شالوده‌شکنانه تغذیه می‌کنند، اما این داستان دیگری دارد که در فرصت دیگری بازگو خواهیم کرد.

باید تأکید کرد که همه تولیدات فعلی، دستخوش این دگرگونی نشده‌اند و طرح‌های قدیمی که گنجینه وسیعی از ادبیات ایزاری و آموزشی را تشکیل می‌دهند، همچنان رواج دارند. همچنین، داستان‌های سنتی برگرفته از گنجینه سنتی اقوام مکزیک وجود دارد. ما نمی‌توانیم وجود متون (کتاب) بد نگاشته شده را نفی کنیم. همین امر در مورد ادبیات بزرگسالان نیز صدق می‌کند. با این حال، معتقدیم مکتبی جدید در حال ظهور است که با استفاده از امکاناتی چون طنز، کودکان را به خواندن ادبیات، هم‌چون ارزشی کلیدی جلب

پیش به سوی کشور کتابخوان‌ها

گفت‌وگو با سه نویسنده مکزیکی

موره‌شین الهیاری

گفت‌وگو با نویسندگان کشور مکزیک، یکی از بخش‌های ویژه‌نامه‌ای است که درباره ادبیات کودک و نوجوان این کشور تدارک دیده شده است. به این بهانه، چند پرسش برای تعدادی از نویسندگان مکزیک ایمیل کردیم که سه تن از آنان در زمان لازم، پاسخ‌مان را دادند. ابتدا پرسش‌های ما و سپس پاسخ آن‌ها را به این پرسش‌ها می‌خوانید.

پرسش‌ها:

۱. وضعیت ادبیات امروز مکزیک را در مقایسه با روند جهانی ادبیات کودک، چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۲. نقش ادبیات سنتی و کلاسیک و هم‌چنین فولکلور مکزیک یا آمریکای لاتین، در ادبیات کودک امروز مکزیک چه بوده است؟
۳. مسائلی چون تقابل سنت و مدرنیته، حفظ هویت ملی در مقابل مسئله جهانی شدن و یکسان‌سازی جهانی، تبعیض جنسیتی و... چه بازتابی در کتاب‌های کودک و یا در میان پژوهشگران کتاب کودک مکزیک دارد؟
۴. میزان دخالت و نظارت دولت بر کتاب کودک چقدر است؟
۵. آیا نهادهای غیردولتی، به نویسندگان در نشر و عرضه کتاب‌های‌شان و هم‌چنین آموزش کمک می‌کنند و چگونه؟
۶. چند نویسنده برگزیده مکزیک و چند کتاب از بهترین آثار امروز ادبیات کودک مکزیک را که قابلیت ترجمه به زبان‌های دیگر را هم دارد، نام ببرید.
۷. این کتاب‌ها به نظر شما واجد چه ویژگی‌هاست که آن‌ها را برای ترجمه معرفی می‌کنید؟

آنتونیو مالپیکا (Antonio Malpica)

کودکان همه جای دنیا مثل هم هستند

آنتونیو مالپیکا، نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس مکزیکی، در هشتم مارس سال ۱۹۶۷ میلادی، در شهر مکزیکوسیتی متولد شد. او در سال ۱۹۹۲، با همکاری برادرش «خاویر مالپیکا» و «روبرتو کراویوتو» گروه تأثیری به نام «آزادی» تشکیل داد. این گروه کار خود را در «کرسندو» آغاز کرد و آثار متعددی مانند «همگی بیایید داخل»، و «ببین و باور نکن» را روی صحنه برد.

مالپیکا اولین اثر خود را در سال ۲۰۰۰، با همکاری برادرش نوشت. وی در همین سال، دو اثر «او را آزاد کن» و «ماریا فرانکشتاین» را روی صحنه برد.

جوایز ادبی آنتونیو مالپیکا:

— جایزه اول جشنواره «آزکاپوت زال‌کو» در سال ۱۹۹۴

– مقام نخست مسابقه داستان‌نویسی نشریه «ویس ورسا»

– جایزه مقام اول رقابت داستان کوتاه «روساریو کاستلانوس»، برای داستان کوتاه «کودک و دریا»

– جایزه بین‌المللی «هررا آودراما»، برای اثر «سفید و سیاه»

– جایزه «سزجیاز» در سال ۲۰۰۲، برای اثر «دروغگو»

– جوایز ادبیات کودکان و نوجوانان آنتونیو مالپیکا:

جایزه «گران آنگولار»، برای «اولیس، ۲۳۰۰» که در سال ۲۰۰۳ به وی اهدا شد. هم‌چنین، جایزه رقابت بین‌المللی نمایش‌نامه‌نویسی برای کودکان که در سال ۲۰۰۲، برای «موستارت در آینه»، به وی اهدا شد.

آثار مالپیکا در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان:

رمان «اولیس ۲۳۰۰»، نشر SM، گران آنگولار، ۲۰۰۳

رمان «برترین بال‌ها»، نشر کاستیلو، ۲۰۰۰

۱- به نظر من در تمام دنیا کودکان یکسان هستند (مثلاً به نظر می‌رسد همه کودکان عاشق «هری پاتر»ند؛ جدا از این که در چه کشوری زندگی می‌کنند). اما من می‌توانم بگویم که ادبیات امروز مکزیکی، ناگزیر باید شادتر و جذاب‌تر باشد؛ خصوصاً برای جوان‌ترها. زیرا در مکزیکی امروز، جذب کردن خواننده کار بسیار مشکلی است. (بزرگ‌ترها این روزها مطالعه زیادی نمی‌کنند و می‌توان تصور کرد که کوچک‌ترها نیز این‌چنین باشند). بنابراین، کتاب‌ها و ادبیات کودکان نیز می‌باید فوق‌العاده مهیج و جذاب باشد.

۲- در اصل، ادبیات کلاسیک در بین کودکان مکزیکی، چندان شناخته شده نیست.

به نظر من کودکان مکزیکی علاقه زیادی به داستان‌های قدیمی و بلند مانند «جزیره گنج» و «تام‌سایر» ندارند. به طور معمول، اقتباس‌های جدیدتر از این داستان‌ها با استقبال بیش‌تری روبه‌رو خواهند بود تا نسخه‌های اصلی آن‌ها.

۳- فیلم‌ها و کارتون‌هایی که کودکان مکزیکی بیش‌تر به آن‌ها توجه می‌کنند، بیش‌تر فیلم‌ها و کارتون‌های وارداتی و محصولات آمریکایی و

● ادبیات کلاسیک در بین کودکان مکزیکی، چندان شناخته شده نیست.

به نظر من کودکان مکزیکی علاقه زیادی به داستان‌های قدیمی و بلند مانند «جزیره گنج» و «تام‌سایر» ندارند

بیش‌تر جهانی‌اند تا ملی. علاقهٔ بچه‌ها به افسانه‌ها و داستان‌های اصیل مکزیکی، کم‌تر شده است. هر چند اگر داستانی قوی و جذاب نوشته شود، کودکان جذب آن می‌شوند و دیگر به این مسئله که دربارهٔ چه چیزی یا چه منطقه‌ای است، فکر نمی‌کنند. همان‌طور که این موضوع در مورد تمام مخاطبان صادق است. نکته مهم در این است که علائق کودکان به خوبی شناسایی شود و در داستان مورد استفاده قرار گیرد.

۴- مسلماً نقش بسیار مهمی بازی می‌کند. همان‌طور که قبلاً اشاره کردم، مردم مکزیکی

و کتاب‌هایی که می‌توانم به شما پیشنهاد کنم، از این قرار است:

- Casi medio a "O" de M. B. Brozon
(که این داستان از زبان یک کودک خاص و شیرین نقل می‌شود)
- zordo el que lo lea "de Juan Pablo Heryndez"
(که داستانی جذاب درباره ارواح، دزدان دریایی و سوارکاران قهار است)
- Silena y la caja de secretos "de Marya Baranda"
(یک داستان قوی که به خوبی با احساسات و عواطف خواننده ارتباط برقرار می‌کند)

به‌طور معمول ترجیح می‌دهند که به تماشای تلویزیون بنشینند تا وقت خود را با خواندن کتاب سپری کنند.

دولت تلاش‌های بسیاری برای تشویق کودکان (و بزرگسالان) به کتاب‌خوانی انجام داده است. کتابخانه‌های بیش‌تری در سال‌های اخیر در مدارس گشوده شده است و رقابت‌های بیش‌تری با جوایز ارزشمند برگزار می‌گردد. با تمام این‌ها، این تلاش‌ها کافی نیست.

۵. بله، اما تعداد کمی از آن‌ها در این امر مشارکت دارند و بیش‌ترشان در کارهای خود با

● دولت تلاش‌های بسیاری

برای تشویق کودکان (و

بزرگسالان) به کتاب‌خوانی

انجام داده است. کتابخانه‌های

بیش‌تری در سال‌های اخیر در

مدارس گشوده شده است و

رقابت‌های بیش‌تری با جوایز

ارزشمند برگزار می‌گردد

دولت همکاری می‌کنند.

۶. می‌توانم در پاسخ شما، به این نویسندگان

اشاره کنم:

- M. B. Brozon, Pancho Hinojosa,
- Marya Baranda, Jaime Alfonso,
- Eduardo Robles, Margarita Robleda,
- Juan Pablo Heryndez, Juan Carlos
- Quezadas, Gabriela Aguilera, Gilberto
- Rend, Norma Muledo, Ricardo
- Chyvez.



ماریا گاریسیا اسپرون

ماریا گاریسیا اسپرون

(Maria Garia Esperon)

در جست‌وجوی زندگی روزمره پسران و دختران مکزیکی

ماریا گاریسیا اسپرون داستان‌نویس،

● به عنوان خواننده هم این سؤال مطرح است که بالاخره باید دنیای تخیلی و عجیب و غریب را انتخاب کرد و یا واقعیت تلخ و گزنده فقر و بدبختی که بسیاری از کودکان این کشور را به کام خود کشیده است؟

رفتن و در خانه بودن شان و غیره را به تصویر بکشند.

۳- این پدیده‌ها در واقع در کتاب‌ها منعکس شده‌اند. از نظر من، این‌ها به صورت نوعی فشار یا کشمکش در کتاب‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. از یک طرف، به این دلیل که خوانندگان کودک و نوجوان را به سوی ماهیت واقعی اجتماع مکزیکی جذب کنند و آن‌ها را با گذشته، فرهنگ و مشکلات کشورمان آشنا سازند و از طرف دیگر، جهانی شدن، تأثیرات خود را در تمام بافت‌های اجتماع اعمال می‌کند و پیامد این پدیده، تغییر جهت علائق و سلائق خوانندگان نوجوان و بزرگسال است.

به عنوان نویسنده، این سؤال مطرح می‌شود که در چه موردی باید نوشت: افسانه‌ها و پریان و یا معضلات اجتماعی، مانند کودکان خیابانی و غیره؟ به عنوان خواننده هم این سؤال مطرح است که بالاخره باید دنیای تخیلی و عجیب و غریب را انتخاب کرد و یا واقعیت تلخ و گزنده فقر و بدبختی که بسیاری از کودکان این کشور را به کام خود کشیده است؟

روزنامه نگار و نمایش‌نامه‌نویس رادیو و تلویزیون است. وی در سال ۱۹۶۴ در مکزیکی متولد شد و در دانشکده «خواهرخوان کولیستر»، تحصیلات آکادمیک خود را در زمینه ادبیات به پایان رسانید و در بسیاری از روزنامه‌ها فعالیت داشته است. جوایز ادبیات کودکان و نوجوانان که اسپرون تاکنون کسب کرده است:

– جایزه کشتی بخار در سال ۲۰۰۴، برای «صفحه زمان»

– مقام‌های اول و سوم بهترین برنامه‌های تاریخی رادیو و تلویزیون RTC، در سال ۱۹۸۴. از آثار ادبی گارسیا اسپرون در زمینه کودکان و نوجوانان، می‌توان به «صفحه زمان» نشر SM، 2004, ELBARCODE VAPOR, CD اشاره کرد.

۱- در حال حاضر مکزیکی در دوره‌ای از تحول به سر می‌برد. جامعه و هم‌چنین نویسندگان به این نکته پی برده‌اند که ادبیات کودک و نوجوان حائز اهمیت است و ارزش رشد و گسترش دارد. با وجود این، ما هنوز به موقعیت کشورهایمانند آمریکا و اسپانیا نرسیده‌ایم. البته شرایط کنونی ما امیدوار کننده است.

۲- درست است که نویسندگان کلاسیک، مانند پرو (Perrault)، برادران گریم (Grimm)، آندرسن (Andersen) و در حوزه ادبیات نوجوانان چک لندن (London)، سالگری (Salgari) و ژول ورن (Verne)، هنوز مخاطب دارند و آثارشان چاپ می‌شود، اما امروزه، هم نویسندگان و هم خوانندگان، در جست‌وجوی آثار تازه‌ای هستند که به واقعیت و زندگی روزمره پسران و دختران مکزیکی بپردازند و شیوه زندگی آن‌ها، نحوه صحبت کردن شان (به زبان اسپانیایی)، مدرسه

۴- دولت در سال‌های اخیر، نقش به‌سزایی به عهده گرفته و تلاش گسترده‌ای برای پیشرفت ادبیات کودک و نوجوان انجام داده است. حتماً می‌دانید که شعار فرهنگی دولت ما «پیش به سوی کشور کتابخوان‌ها» است. تلاش فراوانی برای گسترش کتابخوانی در مدارس و بالا بردن تولیدات فرهنگی صورت گرفته. هم‌چنین، پیدا کردن راه‌هایی برای افزایش خلاقیت کودکان و نوجوانان، جزو برنامه‌های چند سال اخیر مکزیک بوده است.

در جشنواره سالانه "FILIJ" نیز برنامه‌های فراوانی در حوزه‌های مختلف اجرا می‌شود. مهم‌ترین مسابقه ادبیات کودک و نوجوان (Premio El Barco de Vapor)، توسط دولت برگزار می‌شود و کتاب برنده، در کل کشور معرفی و در فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب (در سراسر کشور) عرضه می‌گردد.

● حتماً می‌دانید که شعار

فرهنگی دولت ما «پیش به

سوی کشور کتابخوان‌ها»

است. تلاش فراوانی برای

گسترش کتابخوانی در مدارس

و بالا بردن تولیدات فرهنگی

صورت گرفته. هم‌چنین، پیدا

کردن راه‌هایی برای افزایش

خلاقیت کودکان و نوجوانان،

جزو برنامه‌های چند سال اخیر

مکزیک بوده است

۵- بله، یکی از نهادهای بزرگ و قوی در این زمینه (SOGEM) است که دوره‌ها و کارگاه‌های نویسندگی برگزار می‌کند. هم‌چنین، خانه‌های نشر مانند نشر "SM" و نشر "Castillo"، سالانه مسابقات مهم و قابل توجهی برگزار می‌کنند.

۱) کتاب Los Cuatro Amigos de Siempre

نویسنده: گیلبر تورندون آر تیز

(Gilberto Rendon Ortiz)

۲) کتاب Las Siete Maravillas

نویسنده: گولرمو پریزنت

(Gvillermo Murry Prisant)

۳) کتاب El Disco del Tiempo

نویسنده: ماریا گارسیا اسپرون

(Maria Garcia Esperon)

کتاب‌های فوق، هر سه قابلیت جهانی شدن دارند.

و نام نویسنده‌های دیگری که مشهور و برتر هستند، عبارتند از:

Bertha Hiriati, Teresq Castello,

Francisco Hinojosa Mamica Brozon,

Veronica Murgvia, Carmen Lenero,

Jaime Alfonso Sandoval

۷- اولین کتاب، دربارهٔ پسرک معلولی است که کتاب‌ها بهترین دوست او هستند. کتاب دوم، درباره سفرهای جادویی دخترکی انگلیسی است که وارد یک نقشه کاغذی از عجایب هفت‌گانه می‌شود و به ماجراجویی و اکتشاف می‌پردازد.

کتاب سوم، یعنی کتاب خودم، درباره دختری مکزیکی است که از طریق رسانه‌های امروزی و تکنولوژی مدرن و در اصل از طریق اینترنت، به راز یک پیام دست نوشته در عصر مفرغ پی می‌برد.



ماریا باراندا (Maria Baranda)

ادبیات کودک حد و مرزی نمی‌شناسد
 ماریا براندا، در ۱۳ آوریل ۱۹۶۲، در مکزیکوسیتی متولد شد و در زمینه شعر و ادبیات داستانی فعالیت دارد. او برنده جوایز بسیاری در زمینه‌های گوناگون ادبی شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- جایزه رقابت بین‌المللی «شعر آفرین هورتا» در سال ۱۹۹۵، برای «آنانی که سپری از پول دارند».

- جایزه سال ۲۰۰۲ رقابت شعر «آگواس کالینتر»، برای «دیلن و وال‌ها»

- برنده بورس «فونکا» (FONCA)، برای بهترین شاعر خلاق جوان که در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ و ۱۹۹۵-۱۹۹۶ به وی تعلق گرفت.

- برنده بورس / BANCOMER / FONCA / ROCKEFLLER در سال ۱۹۹۷
 ماریا باراندا از سال ۱۹۹۹، عضو انجمن

SNCA شده است.

جوایز ادبیات کودک و نوجوان ماریا باراندا:
 - جوایز FILJ داستان کودکان در سال ۲۰۰۴، برای اثر داستانی «یک جایی توی دنیا»
 - جوایز کشتی بخار ۲۰۰۳، برای «سلینا و جعبه رازها»
 - جوایز قلعه مطالعه ۲۰۰۱، برای «تولیا و کلید جادویی»
 آثار وی در زمینه ادبیات داستانی کودک و نوجوان:

«سلینا و جعبه رازها» / نشر / SM / DGP-CONACULTA 2003 / COL / EL BARCO DE VAPOR

«تولیا و کلید جادویی» / نشر / 2001 CASTILLO

۱- ادبیات کودک در مکزیک نوپاست و بیش از ۱۵ سال از شروع آن نمی‌گذرد. ما در این حوزه، هم‌چنان پس از کشورهای چون اسپانیا، فرانسه و ایتالیا قرار داریم.

۲- افسانه‌ها، قصه‌هایی که سینه به سینه نقل شده‌اند و ادبیات کلاسیک، جایگاه بسیار بااهمیتی در تخیلات و ذهن کودکان مکزیک دارند. تمام این‌ها در ذهن هر کس، باعث آرامش و امنیت درونی است.

۳- به اعتقاد من جایگاهی برای مسائل فوق در ادبیات وجود ندارد. به طور کلی، ادبیات هیچ حد و مرز و محدودیتی ندارد. تنها موضوع قابل توجه، خوب نوشتن است.

۴- در مکزیک یک مرکز نشر بسیار بزرگ و مهم دولتی به نام "Fondo de Cultvra Economica" وجود دارد. این مرکز مطرح‌ترین ناشر آثار نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان است.

● از دید من تنها «فرانسیسکو

هینوچُسا» (Franeis co

Hinojosa) قابلیت مطرح شدن

به عنوان بهترین نویسنده

ادبیات کودک و نوجوان مکزیک

را دارد. او محبوب‌ترین و

پرطرفدارترین نویسنده

کودکان در مکزیک است.

داستان‌هایش همیشه سرشار

از پایان غیرمنتظره، طنز تلخ و

موضوعات کمدی است.

۵. اگر منظور شما سازمان‌های غیردولتی و ناشران دیگر است، پاسخ مثبت است. بسیاری از این سازمان‌ها جوایز و تسهیلاتی برای نویسندگان فراهم می‌کنند تا برای ارتقا سطح کار و معرفی

کتاب خود، به سفرهای داخلی و خارجی بروند. عز از دید من تنها فرانسیسکو هینوچُسا (Franeis co Hinojosa) قابلیت مطرح شدن به عنوان بهترین نویسنده ادبیات کودک و نوجوان مکزیک را دارد. او محبوب‌ترین و پرطرفدارترین نویسنده کودکان در مکزیک است. داستان‌هایش همیشه سرشار از پایان غیرمنتظره، طنز تلخ و موضوعات کمدی است.

او نویسنده پرفروش‌ترین کتاب مکزیک، یعنی «بدترین بانوی دنیا» است و کتاب‌های دیگری چون:

La formula del doctor Funes

A golpe de Calceñin

Vna semana en lvgano

Buscalacrane

yanka-yanka

۷. کتاب‌های فرانسیسکو همه را به خنده وامی‌دارد؛ چه کودکان و چه بزرگسالان و این ویژگی بسیار مهمی است.

پژوهنده‌نامه ادبیات کودک و نوجوان
پرتال جامع علوم انسانی